

## آسیب شناسی میراث فرهنگی (۱۱)

## تمدن جهانی و میراث مکتوب

بار دیگر طلوعه سال نور را با هجوم جدید به تاریخ و تمدن ایران، شاهد بودیم. چرا ایران بیش از هر کشور دیگری مورد تهاجم فرهنگی است؟ پاسخ روشن است. ایران یکی از دو تمدن بزرگ جهانی بوده است. اکنون با پیشینه درخشان خود استخوان لای زخم استکبار جهانی شده است. پس از ظهور اسلام و پذیرش آن از سوی ایرانیان، قدرت و اقتدار فرهنگی و تمدنی ایران دو چندان شد. اکثر تولیدات و محصولات فرهنگی موجود ایرانی در قرون سوم تا هفتم هجری جهان را تحت تأثیر قرار داد و اگر نبود هجوم‌های خانمان سوز مغولان، وضع تمدنی ایران کاملاً فرق می‌کرد. به هر روی، کشورهای بزرگ غربی با استفاده ابزاری از علم و فناوری در جهت تأمین اهداف و مقاصد خود به دنبال جهانی یکپارچه و سازگار با آنها حرکت می‌کنند. این داستان در عصر مدرنیته و انقلاب صنعتی شروع شد و با جهانی شدن ارتباطات، وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌ها، ماهواره‌ها، سینما و تلویزیون و نهایتاً اینترنت و جهان مجازی همه و همه در خدمت قدرتهای بزرگ قرار گرفته‌اند تا جهانی را بسازند تابع ایدئولوژی، اقتصاد و سیاست خودشان.

سینمای هالیوود با همین فلسفه در آغاز جنگ جهانی دوم ظهور کرد. فرانک کاپرا فیلم مستندی ساخت به نام «چرا ما می‌جنگیم؟» در این فیلم دولت آمریکا به عنوان صاحب یک ایدئولوژی برتر، برای ایجاد یک نظم جهانی معرفی شده. مخاطب این فیلم می‌پذیرد که آمریکا تنها کشوری است که دارای دموکراسی، آزادی، عدالت و... می‌باشد و بر عکس دشمن آمریکا که در آن زمان ژاپنیها بودند، مردمی جنگ طلب، متجاوز، ظالم و بی رحم و... هستند. کارگردان به طرق گوناگون به بیننده چنین القا می‌کند که جنگ تنها راه حفاظت از عدالت و آزادی و دموکراسی است که آمریکا تنها پرچم دار آن است.

فیلم ۳۰۰ هم در این راستا در هالیوود کلید خورد. کارگردانان این فیلم با تحریف تاریخ، افسانه سازی و با تکنیک‌های فوق مدرن، ایرانیان باستان را مردمی خشونت طلب و بی رحم جلوه می‌دهند و در سراسر جهان همزمان آن هم در دورانی که ایران را مورد اتهام قرار داده‌اند که قصد دارد با تولید بمب اتمی، دموکراسی و آزادی آمریکایی را هدف قرار دهد، به

اکران این فیلم سراسر کذب اقدام می‌کند. چندی پیش به تحریف نام پر افتخار خلیج فارس با همدستان مزدور بی‌هویت خود در منطقه دامن زدند و زمانی مفاخر بزرگ ایران را به نام‌های دیگر صادره می‌کنند و دادگاه بیدادگری در امریکا حکم به صادره موارث فرهنگی و گل نوشته‌های دوره هخامنشی صادر می‌کند و در آینده به افکار عمومی جهان چنین القا می‌کنند که اصلاً چیزی به نام ایران در کره زمین وجود نداشته و اکنون هم محکوم به فناست. غافل از اینکه در طول تاریخ حاکمان ظالم چون حبیبی بر سرایی نیامده رفته‌اند و چون زمانی خود محکوم به نیستی بوده و خواهند بود و نشانه‌های تمدن بزرگ ایران در تمام کشورهای شبه قاره، ماوراءالنهر، عثمانی بزرگ، بین النهرین و آسیای صغیر تا چین و آفریقا آن قدر بسیار است که چشم هر بیننده منصفی را خیره می‌سازد. ۱۸ فروردین دکتر مارک لوائین استاد برجسته تاریخ دانشگاه کالیفرنیا آمریکا به دعوت مرکز پژوهشی میراث مکتوب در محل این مرکز سخنرانی کرد. مقالات و آثار چاپ شده ایشان در امریکا از وی یک شخصیت ضد جنگ، ضد صهیونیست ساخته است. وی در پی یافتن پاسخ به این پرسش بود که واکنش جهان اسلام خصوصاً ایرانیان به مسأله جهانی شدن یا بهتر بگوییم جهانی سازی آمریکایی چه بوده است؟ او می‌گفت: در کشورهای عربی کتابها و مقالات بسیاری دیده است که به این مسأله واکنش گسترده نشان داده‌اند ولی از ایران چندان خبری ندارد. در این نشست، برای او روشن شد که ایران به لحاظ بزرگی تمدن و فرهنگ خود همواره در مقابل تهاجم بیگانگان با تائی و روشنگری تعامل داشته و بخشی از بعد ناچاری جهانی شدن را پذیرفته و بخش عمده جهانی سازی را واکنش نشان داده. گفته شد که انقلاب اسلامی خود بزرگترین واکنش در برابر موضوع جهانی سازی بود و سیاست نظام همواره استکبار ستیزی و مقاومت در برابر خواسته‌های ستمگرانی چون امریکا بوده است. طبیعی است حفظ و حراست از این موارث فرهنگی و نشر و احیای میراث مکتوب برای جهان یکی دیگر از واکنشهای فرهنگی به موضوع جهانی شدن خواهد بود که این مرکز به سهم خود تلاش اندکی را پی گرفته است.